

بررسی توقیف برخی از مهم‌ترین فیلم‌های ایرانی در دهه‌های گذشته، بعضاً به دلیل برداشت‌های سیاسی

## فیلم‌هایی که به وقتش دیده نشدند

شاید این اقتضای سینما ما است که در هر دوره‌ای، تعبیری سیاسی از برخی فیلم‌های ساخته‌شده در سینمای ایران صورت گرفته و گاهی همین عنوان سال‌های زیادی همراه فیلم باقی مانده است و در دوره‌هایی جشنواره‌های خارجی نیز از فیلم‌های ایرانی سیاست طلب می‌گردند و بر همین مبنای برخی فیلم‌های ساخته‌شده در سینمای کشورمان به این سمت حرکت کردند.

صفحه ۱۱

شنبه ۲۶ آذر ۱۴۰۱ • ۲۲ جمادى‌الاول ۱۴۴۴ • ۱۷ دسامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۴۸ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

**در «شرق» امروز می‌خوانید:** حال ناخوش مترو، اتوبوس و تاکسی‌های فرسوده تهران، مجمع عمومی سازمان ملل حق فلسطینیان برای تعیین سرنوشت خودشان را تأیید کرد و **یادداشت‌هایی از محمود فاضلی، کورش الماسی**

**سرمقاله**

**چیرگی بر گذشته**



احمد غلامی

دغدغه برخی امروز، ایستادن در جایگاهی است که نه انقلابی‌گری است و نه اصلاح‌طلبی. نه این است و نه آن. جایگاهی میان این دو آن، جایگاهی برخاسته از تفاوت این دو. انقلابی‌ها هر نوع گفت‌وگو را تأخیر در انقلاب و خیانت به آن می‌دانند و مواجهه با تفکر انتقادی را به آینده موکول می‌کنند. آینده‌ای که تضمینی در وفای به عهد آن وجود ندارد. اصلاح‌طلبی نیز نوعی حفظ وضعیت موجود است، وضعیتی که چنگی به دل نمی‌زند و قابل دفاع نیست. اصلاح‌طلبان برای بهزی از خشونت گفت‌وگو را پیشنهاد می‌دهند، کاری که طرف مقابل باور چندانی به آن ندارد. که اگر داشت اصلاح‌طلبان که خود بخشی از ساختارند به این مهم زودتر از بقیه دست می‌یافتند. آیا راه دیگری وجود دارد؟ راهی که نه این است و نه آن. هم این است و هم آن. بر کسی پوشیده نیست که مخالفان وضعیت موجود ایران برای دست‌یازیدن به موقفیت دست به ائتلاف زده‌اند. اما آنچه از تجربه تاریخی این جریان‌های سیاسی در اذهان مردم وجود دارد، نشانگر آن است که ائتلاف‌های سیاسی موقتی و برای عبور از وضعیت موجود است. ائتلاف‌های سیاسی از این‌دست برای رسیدن به اهداف سیاسی استوار بر «خرد ایزاری» است، به‌تعبیر هابرماس «خرد ایزاری» معطوف به نتیجه و زبانش استراتژیک است. مخالفان بیش از آنکه در بی تغییر نیادی «نیست‌جهان» باشند، درصددند سیستم موجود را برکنار و سیستم دیگری را جایگزین آن کنند. بسیاری بر این باورند که با تغییر سیستم ناگزیر زیست‌جهان نیز تغییر خواهد کرد. غافل از اینکه اگر رسیدن به «هدف» مهم است، مهم‌تر از آن «وسیله» رسیدن به آن هدف است. بیان استراتژیک یعنی بیان معطوف به نتیجه، دنبال ایجاد فهم بین‌الذهانی نیست. این بیان بیش از هر چیز برای یاریگری از میان مخالفان وضع موجود، همدلان و باورمندان به تغییر است. ناگفته نپیداست باورمندان به تغییر، الزاماً وفادار به این جریان‌های سیاسی نیستند. بگذریم. هم از این و هم از آن. و بگردیم جایگاه خود را در این گرانگه تاریخی پیدا کنیم، راه سومی که معطوف به فهم بین‌الذهانی است، آنچه بتواند ما را به یک زیست‌جهان بهتر رهنمون سازد، جهانی که به‌قول هابرماس «مستعمره هیچ سیستمی نیست».

این زیست‌جهان اوتوپایی نیست، واقعی است و مبتنی بر باورهای اجتماعی و «زبان غریبانی» است که هدفش فهم متقابل است. در این زمانه برای مضمون‌ماندن از خطا ناگزیریم با آموزه‌های هابرماس مسائل سیاسی را رصد کنیم و شجاعت از او را بیاموزیم که مغلوب صدای غالب نشد: «هابرماس می‌تواند مسا را برانگیزد که در جهت دگرگونی‌های ریشه‌ای برای از میان‌بردن سردی اجتماعی و تقویت همبستگی و دفاع از آزادی‌های فردی و جمعی بکوشیم و این تلاش را با اقبال اخلاق انجام دهیم». این امر صورت نخواهد پذیرفت مگر آنکه

به «چیرگی بر گذشته» باور داشته باشیم، باوری که هابرماس چون آن را در هایدگر ندید به هراس افتاد و در ۲۴سالگی‌اش به نقد «استاد» پرداخت. به‌گفته محمدرضا نیکفر «او در این مقاله که آن را در سال ۱۹۵۳ در ۲۴سالگی نوشته با وحشت این موضوع را گزارش می‌کند که هایدگر در سه‌نامه‌ای از خود را با عنوان درآمدی بر مابعدالطبیعه، که در سال ۱۹۳۳ برخوانده شده، به چاپ رسانده و در آن عبارت‌هایی را که در پشتیبانی از نازیسم بوده، دست‌نخوره به جا گذاشته است و در هیچ‌جایی از آنچه در متن آورده فاصله اخلاقی نگرفته است. این مقاله بازناب فراوانی می‌یابد. امروزه می‌توان آن را جزء آثار تاریخی رونو چیرگی بر گذشته ارزیابی کرد… چیرگی بر گذشته یعنی بررسی و بازرسی حقوقی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی گذشته‌ای که چنان مغلوب انتقاد شود که دیگر تکرار آن ممکن نباشد. در آلمان این روند با جنبش دانش‌جویی ۶۸ تثبیت شد.» این چیرگی بر گذشته، همان کاری است که همه جناح‌ها و جریان‌های سیاسی، اشخاص حقیقی و حقوقی، از طرف‌ آن روند، سنت رایج در ایران، دفاع از گذشته است و این دفاع معنایی جز ستایش از خود ندارد. اگر مواجهه‌ای انتقادی از گذشته صورت گیرد، یقیناً درمورد گذشته‌های است که موجب تصادف یا دراختیارنداشتن جایگاهی در آن غایب بوده‌ایم. این نکته بسیار حائز اهمیت است. خاصه در میان جریان‌های سیاسی موجود داخل و خارج از کشور. تاکنون که بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی می‌گذرد به‌ندرت گروه یا جریانی سیاسی مواجهه‌ای انتقادی با گذشته خود داشته و مواجهه انتقادی با جریان‌های رقیب و اغراق در سیاه‌نمایی گذشته رقبیان همواره در دست‌سوز کار بوده است. سیاه‌نمایی‌ای که به‌مرور زمان اثر خود را از دست داده و غرض‌الودگی آن آشکار شده است، یا اگر غرض‌آلود نبوده چون وسیله‌ای برای رسیدن به هدف بوده، به تفکری انتقادی منجر نشده است. مواجهه انتقادی با گذشته، اولین گام در مسیر چیرگی بر گذشته است. همان کاری که از آن سرسختان سرراز می‌زییم. در صورتی که چیرگی بر گذشته یعنی اعلام برائت از گذشته خود. برائت جان عمیق که موجب شود دیگر ننتیها یک جریان سیاسی بلکه یک جامعه قادر به تکرار آن گذشته دست‌کم در میان‌مدت نباشد. وقتی پای سرسمازی از گذشته به میان می‌آید، کمتر جریانی را می‌توان پیدا کرد که اعلام کند منتقد یا سرنمده گذشته خود است. هنوز که هنوز است بسیاری بر این باورند کودتای ۲۸ مرداد کودتا نبوده، یا اینکه اسناد کودتا از طرف انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها منتشر شده است. از این نمونه‌های تاریخی در شکل‌های دیگر در میان جریان‌های سیاسی داخل و خارج از کشور وجود دارد. اما یا خطاهای خود را انکار می‌کنند یا از آن سختی به میان نمی‌آورند. مهم نیست که انقلاب می‌کنیم یا اصلاح، هر کاری می‌کنیم باید بر گذشته خود چیره شویم.

• در این یادداشت از کتاب «هابرماس و روشنفکران ایرانی»، علی پایا و محمدامین قانع‌راد، انتشارات طرح نو آستاده شده است.

# روزنامه شرق

شنبه ۲۶ آذر ۱۴۰۱ • ۲۲ جمادى‌الاول ۱۴۴۴ • ۱۷ دسامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۴۸ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

**خودرو تبدیل به کالایی عجیب و تحلیل‌گریز شده و بهای آن مرزهای واقعیت را رد کرده است**

# نرخ‌های سوررئال

**از زمان عرضه خودرو در بورس کالا موجی از تقاضا برای گرفتن کد سهام‌داری در بورس کالا شکل گرفته است**

گزارش تیتربک را در صفحه ۴ بخوانید



عکس: Gettyimages

حمایت از افشاگران» و نیز «ممنوعیت گروه‌های غیررسمی دوستی با کشورهای ثالث» به‌عنوان بخشی از این اصلاحات نام برد. او در جریان این کنفرانس مطبوعاتی از «تناقصی» نام برد که باید برطرف شود. برای مثال به مواردی مانند «فعالیت‌های اعضای سابق پارلمان اروپا، ثبت‌نام در سامانه شفافیت یا فهرست افراد مجاز به ورود به پارلمان اروپا» اشاره کرد. از سوی دیگر، در نشست عمومی نمایندگان پارلمان اروپا در استراسبورگ، متنی به اتفاق آرا به تصویب رسید که در آن «تعلیق مجوز دسترسی مدافعان منافع قطر» حین انجام تحقیقات قضائی درخواست شده است؛ این تصمیم باید برای اجرائی شدن به تأیید رئیس پارلمان اروپا نیز برسد. این در حالی است که روبرتا ماتسولا هم‌زمان در بروکسل تصریح کرد که مجوز دسترسی یکی سازمان غیردولتی موسوم به «صلح، بدون عدالت ممکن نیست» که گفته می‌شود با تحقیقات در دست انجام این پرونده مرتبط است، تعلیق شده است.

این گزارش را در صفحه ۵ بخوانید

پس‌لرزه‌های افشای رسوایی «قطرگیت» ادامه دارد و به نظر می‌رسد ابعاد آن پس از پایان جام جهانی گسترده‌تر شود. در همین حال مقام‌های پارلمان اروپا که از ارتباط پنهان معاون پارلمان اروپا با لابی تحت نفوذ قطر پرده برداشته بودند، وعده داده‌اند که اصلاحات گسترده‌ای در این نهاد قانون‌گذار اروپایی انجام خواهد شد. روبرتا ماتسولا، رئیس پارلمان اروپا، اعلام کرده که اصلاحاتی جامع از ابتدای سال آینده میلادی در این نهاد به اجرا گذاشته خواهد شد.

ماتسولا که در حاشیه نشست سران اتحادیه در بروکسل سخن می‌گفت با اشاره به اینکه «بسته‌ای از اصلاحات گسترده برای اجرا از ابتدای سال آینده در دست تهیه است»، از محورهایی مانند «تقویت

### یادداشت

## موانع گفت‌وگوی ملی



نعمت احمدی

حقوق دان

سال‌هاست در رسانه‌های مختلف مطلب می‌نویسم. نوشتن به عادت روزانه‌ام تبدیل شده. نوشته‌هایم بعضاً با شکایت رویه‌رو شده و خوشبختانه شاکای خصوصی نداشته‌ام. شورای نگهبان، سازمان بازرسی کل کشور و دادستان، جزء شکات نوشته‌هایم بوده‌اند؛ اتهام نشر اکاذیب، البته کذب در کار نبوده یا منبع خبر مورد قبول واقع نشده یا نظر و تفسیر قضات با نظر و نگاه من متفاوت بوده و همیشه محکومیت مالی بدل از حبس داشته، از ۵۰۰ هزار تومان تا پنج میلیون تومان. اما نهیب دوستان و بزرگان که چرا این مطلب یا فلان مطب را نوشتی، سراغ ندارم. بعضاً گلایه‌ای که با اندک توضیحی رفع و رجوع می‌شود. از میان روزنامه‌ها علاقه‌ام به «شرق» و اینکه مطالبم در این روزنامه چاپ شود، بیش از سایر روزنامه‌ها بوده و هست. بویی از بهار رسانه‌های دوره برچنب‌وجوش مطبوعات را به ذهن متبادر می‌کند؛ اما عیب «شرق» این است که مطلب مدت‌ها در نوبت چاپ می‌ماند و بعضاً مطلب نوشته‌شده که مربوط به مسائل روز است، بی‌اعتبار می‌شود و در مواردی این دوستان دستی به مطلب می‌برند که حق روزنامه است؛ اما مسائل حقوقی تخصص خود را می‌طلبند و با تغییر یا اضافه یک کلمه مثل «یا» و «او»، کل مطلب عوض می‌شود. مثلاً فلانی به شش ماه حبس «و» ۲۴ ضربه سلاق محکوم می‌شود یا به شش ماه حبس «یا» ۲۴ ضربه سلاق. تفاوت کاملاً معلوم است.

مدتی است به بهانه فوق، برخلاف میل باطنی که خود را عضو خانواده «شرق» می‌دانم، کمتر برای این روزنامه مطلب می‌فرستم. آخرین مطلبم در این روزنامه ۱۲ آذر ۱۳۸۱ تحت عنوان «حقت‌وگوی ملی، گام اول تعامل» چاپ شد. هرچند دوستان شرقی برای اولین‌بار



آیت‌الله محقق داماد در نامه‌ای به دادگران دادگستری آنها را به زرف‌نگری در صدور رای به خصوص در دماء فراخواند

### توصیه به قضات

آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد در نامه‌ای سرکشاده به قضات کشور تأکید کرده است: «باعث تأسف است که در این ایام افرادی از ذوی‌المنصب بدون هیچ‌گونه آشنایی با الفبای قضاوت و آگاهی از صعوبت امر، نسبت به دستگاه قضائی تعیین تکلیف می‌کنند و به آنان امر و نهی می‌نمایند یکی تسریع می‌خواهد و دیگری تغلیظ می‌طلبند!

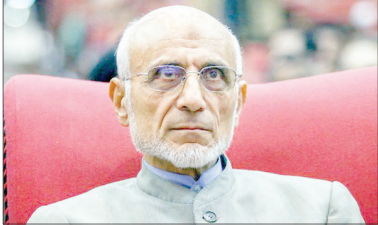
صفحه ۲

**ارزیابی سناریوهای پیش‌رو در قبال برخورد‌های تقابلی دیپلماتیک و لغو عضویت ایران در کمیسیون مقام‌زن**

## تشدید یا تعدیل؟!

کمیسیون مقام‌زنان سازمان ملل چیست و چه وظایفی دارد؟ نگاهی به اثر اخراج ایران از کمیسیون مقام‌زن سازمان ملل

۲



**تعبیر متناقض میر سلیم از اجرای عدالت**

۲

**انتخاب سرمربی تیم ملی بعد از عبور از «فیلتر»**

۹

**اطلاع‌رسانی محدود در حوزه بیماری‌های مقاربتی**

۱۰

### یادداشت

### «آنهایدروز»



مهرداد احمدی شیخانی

سریالی می‌بینم که ماجراهایش در یک بیمارستان می‌گذرد. در یکی از قسمت‌ها با بیماری رویه‌رو می‌شویم که دستش دچار عفونت چارچی شده و این عفونت به مراحل بسیار پیشرفته رسیده، اما طوری که پزشکان چاره را فقط در قطع دست او می‌بینند. اما طبییان بیمارستان در عجب هستند چرا خانواده بیمار، او را این‌قدر دیر برای مداوا به بیمارستان آورده‌اند؟ چرا که این بیماری بسیار زود قابل تشخیص بوده و برای اینکه به چنین مرحله بحرانی‌ای برسد، بیمار باید حداقل چند سال به این بیماری دچار بوده باشد. تعجب هم از این است که این بیماری از همان روزهای ابتدایی دچارشدن، با درد بسیار زیاد و غیرقابل‌تحملی همراه است و بنابراین اصلاً نمی‌توان باور کرد که کسی چندین سال این بیماری را نداشته باشد و بتواند در این مدت دردش را تحمل کند. خانواده بیمار می‌گویند او بسیار آدم صبوری است و در مقابل رنج‌ها و مشکلات‌ها از خود تحمل غیرقابل‌تصوری نشان می‌دهد و تحمل چنین دردی را نیز به همین صبر و تحمل او نسبت می‌دهند. با این همه، پزشکان پس از قطع دست او بیشتر شگفت‌زده می‌شوند؛ چون بیمار اصلاً از اینکه یک دستش قطع شده، هیچ واکنشی که نشان‌دهنده غم و اندوه او از این مصیبت باشد، نشان نمی‌دهد و خیلی عادی و معمولی با این اتفاق رویه‌رو می‌شود. اطبا تصمیم می‌گیرند از او آزمایش‌هایی به عمل آورند و در این آزمایش‌ها متوجه می‌شوند بیمار بیمار سیستم عصبی سالمی دارد، ولی دچار یک عارضه نادر در مغز خود است…

ادامه در صفحه ۴

### بازگشت همه به سوی اوست

**با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدری مهربان و دلسوز**

## مرحوم سید احمد رضایی

**را به اطلاع شما دوستان و آشنایان محترم می‌رسانیم.**

**به همین مناسبت مراسم تشییع آن مرحوم**

**روز شنبه ۱۴۰۱/۱۰/۲۶ از ساعت ۱۰:۳۰ در سالن**

**عروجیان بهشت زهرا به سمت قطعه ۲ ردیف ۱۰۳ شماره ۳۹**

**برگزار می‌گردد. حضور شما سرور ان گرامی موجب شادی**

**روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.**

**از طرف خانواده آن زنده‌یاد و سایر وابستگان و آشنایان**

ادامه در صفحه ۴